

دین پژوهی و نواندیشی دینی

خاطرات

آیت الله نعمت الله صالحی نجف آبادی

از زبان :

زنده یاد نعمت الله صالحی نجف آبادی

سرشناسه	:	صالحی نجف آبادی، نعمت الله، ۱۳۰۳-۱۳۸۵.
عنوان و نام پدیدآور	:	دین پژوهی و نواندیشی دینی: خاطرات آیت الله نعمت الله صالحی نجف آبادی / از زبان نعمت الله صالحی نجف آبادی.
مشخصات نشر	:	تهران: امید فردا، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	:	۲۸۰ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۲۲-۸۴۷۹-۰۵-۷
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
عنوان دیگر	:	خاطرات آیت الله نعمت الله صالحی نجف آبادی.
موضوع	:	صالحی نجف آبادی، نعمت الله، ۱۳۰۳-۱۳۸۵. -- خاطرات
موضوع	:	مجتهدان و علما -- ایران -- خاطرات
	:	Ulama -- Iran -- Diaries'
رده بندی کنگره	:	۳/۵۵BP
رده بندی دیویی	:	۹۹۸/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	:	۹۸۷۹۶۷۳
اطلاعات رکورد کتابشناسی	:	فیا

انتشارات امید فردا

دین پژوهی و نواندیشی دینی

خاطرات آیت الله نعمت الله صالحی نجف آبادی

نویسنده: زنده یاد نعمت الله صالحی نجف آبادی

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۴۷۹-۰۵-۷

چاپ اول: ۱۴۰۴

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۳۲۰۰۰۰ تومان

نشانی: تهران - میدان انقلاب - ابتدای خ آزادی - ابتدای جمالزاده

جنوبی - کوچه دانشور - پلاک ۲ - واحد ۵

تلفکس: ۶۶۹۱۷۴۴۹ تلفن: ۶۶۹۱۳۵۶۸ - ۰۹۳۵۷۶۰۸۵۰۳

فهرست مطالب

۷	به عوض پیشگفتار
۱۱	فصل اول
۴۳	فصل دوم
۷۹	فصل سوم
۱۱۳	فصل چهارم
۱۴۷	فصل پنجم
۱۸۳	فصل ششم
۲۱۷	فصل هفتم
۲۴۷	فصل هشتم

www.ketab.ir

به عوض پیشگفتار

ناقد تجدد

آیت الله صالحی نجف آبادی، صالح زندگی کرد

و مظلوم مرد

بیش از ۱۸ سال از مرگ آیت الله نعمت الله صالحی نجف آبادی، عالم آزاده و فرهیخته می گذارد و در طول این ۱۸ سال، برای من که حدود بیست سال با این مرد نو اندیش دینی مراوده و رفت و آمد داشتم، مشخص شد که جامعه ی ایران چه انسان والایی را از دست داده است. شاید من نتوانستم در طول بیست سال، این مرد را که آزادی در اندیشه داشت، آن طور که در طول این ۱۸ سال به شخصیت علمی و معنوی و انسانی او پی بردم، بشناسم. در سالگرد این دانشمند فرهیخته و فرزانه نکات زیر را می توانم برای او بیان نمایم، هر چند قلم این حقیر قدرت پرداختن به مکارم اخلاق و فضایل و علوم این مرد را ندارد ولیکن به عنوان ادای دین باید این رسالت جزئی را به سرانجام برسانم.

۱- از ایشان ۱۶ اثر به صورت کتاب در دسترس خوانندگان و دانش پژوهان قرار دارد که در زمینه های مختلف مذهبی، فقهی، حقوقی و تاریخی می باشد. هر یک از این کتاب ها را ایشان با وسواس و سعه صدر و با حوصله ی زیاد تدوین نموده است و این استحکام و انسجام کتاب ها را از ماندگاری و پایداری و قدمت آنان می توان برداشت کرد. اولین کتاب ایشان، جمال انسانیت یا تفسیر سوره یوسف می باشد که بعد از دهها سال، هنوز که هنوز است دانش پژوهان و محققین و قرآن شناسان طالب آن می باشند که اکنون به چاپ های متعدد (به وسیله انتشارات امید فردا) رسیده است و کتاب شهید جاوید که در سال ۱۳۵۰ به چاپ رسیده است، هنوز هم در پیشخوان کتابفروشی ها موجود می باشد. این کتاب نیز به وسیله انتشارات امید فردا به چاپ های متعدد رسیده است و کتاب های دیگر ایشان به چاپ های متعدد رسیده و مورد استقبال انسان های فرهیخته قرار گرفته است از قبیل حدیث های خیالی، غلو، نگاهی به حماسه حسینی استاد مطهری و ترجمه قرآن ایشان که به وسیله نشر کویر به چاپ رسیده است و جهاد در اسلام (به وسیله نشر نی) و پژوهشی جدید در چند مبحث فقهی، مجموعه مقالات، ولایت فقیه، حکومت صالحان، عصای موسی یا درمان بیماری غلو، قضاوت زن در فقه اسلامی همراه چند مقاله دیگر و نامه صالحی نجف آبادی به هاشمی رفسنجانی درباره کنفرانس طائف و مسائل جنگ که به وسیله انتشارات امید فردا طبع شده و در دسترس دانش پژوهان می باشد. در مورد این کتاب ها می توان گفت که ایشان هیچ وقت از حرف ها و نوشته های خود عدول ننموده است و هیچ مطلبی را از کتب خود حذف یا بر آن نیفزوده است و این موضوع، قدرت اراده و مصمم بودن بر ایده ها و افکار یک فرد فرهیخته را می رساند.

۲- کتاب پرارزشی که از مرحوم صالحی نجف آبادی به چاپ رسیده قضاوت زن در فقه اسلامی همراه چند مقاله دیگر بود. این کتاب، آنچنان تحولی را در جامعه زنان روشنفکر و تحصیل کرده و حقوقدان ایجاد نمود که همه را غافلگیر کرد و انصاف یک فقیه را می رساند در طرح موضوعات این کتاب که قضاوت را می توان

به او سپرد و تبعیض هایی که در مورد زنان از جانب مردان اعمال می شود از اصول اولیه ی قوانین اسلامی نمی باشد بلکه این مسائل را مردانی طرح و ایجاد کرده اند که در موقعیت های مختلف قرار داشته اند.

۳- گفته ی شادروان دکتر علی شریعتی را نباید از یاد برد که: "هر عزیزی که رفت عزیزتر می شود" و من به عینه در طول این ۱۸ سال که از فوت آقای صالحی می گذرد این عزیزتر شدن را مشاهده کرده ام. استقبالی که افراد تحصیل کرده و اهل مطالعه از کتاب ها و مقالات ایشان می کردند قابل وصف نبود، زیرا انگار جامعه جوان و روشنفکر، تازه به شخصیت علمی و معنوی و فقهی ایشان پی برده بودند و می خواستند بدانند این نو اندیش دینی چه مطالب تازه و بکری را بیان نموده است که اینچنین جامعه ی نو اندیشان را متحول نموده است و شاید این ۱۸ سال با بیست سال گذشته قابل مقایسه نباشد.

۴- حریت در اندیشه ی این مرد نو اندیش داستانی است که زبانزد خاص و عام می باشد. در دورانی که فقها و علمای ما سر در لاک خود فرو برده بودند و فقط پیرو فقه سستی بودند و نمی توانستند نظرات جدیدی را ارائه دهند و اگر هم دست به چنین کاری می زدند، زود از گفته ی خود عدول می کردند زیرا مورد طعن و ذم دیگران قرار می گرفتند و دم بر نمی آوردند، صالحی دست به نوشتن کتاب شهید جاوید زد که بر خلاف نظر اکثریت محققین و فقها و علمای دینی بود و آنچنان بر گفته های خود اصرار و پافشاری ورزید که مورد ایذا و آزار قرار گرفت. مرحوم صالحی در چنین محیطی مراحل رشد و تکامل علمی خود را آغاز کرد و با همت و پشت کار و سعه صدر و فقر، مدارج علمی را طی کرد تا از چهره های ماندگار حقیقی و فرزندگان ایران معاصر شد.

۶- صالحی از سال ۱۳۷۷ به تهران مراجعت کرد و در محله ی باغ فیض، گوشه ی دنج و خلوتی را برای خود انتخاب نمود و تا زمان بیماری که چند ماه قبل از فوت ایشان بود به تحقیق و پژوهش و نوشتن پرداخت. در همین دوران هفت، هشت ساله بود که کتاب های پر بار پژوهشی جدید در چند مبحث فقهی، قضاوت زن در فقه اسلامی، غلو، حدیث های خیالی و جهاد در اسلام را نوشت. ایشان کلاً منزوی شده بود، دوستان و شاگردانش نیز به ندرت از او دیدن می کردند و حتی چند ماهی که بیمار و در بیمارستان بستری بودند، هیچ کسی اطلاع نداشت، حتی افراد زیادی که در حیطه روزنامه و رسانه کار می کردند و خود را از مریدان ایشان می دانستند، به خود زحمت ندهاند که نام و ذکری از این پیر نو اندیش دینی در رسانه های خود ببرند. و فقط بعد از فوت ایشان، چند نفری دست به قلم بردند و خبر فوت ایشان را به گوش دوستان و آشنایان رساندند، در حالیکه صالحی حق بزرگی بر گردن جامعه ی نو اندیش ایران دارد ولی خیلی تنها و مظلوم دار فانی را وداع گفت و این از عجایب و شگفتی های یک جامعه ی اسلامی می باشد که ادعای علم پروری می کند.

۷- در محضر صالحی نجف آبادی، افراد زیادی تلمذ می کردند که از معروف ترین آنها می توان افراد زیر را نام برد:

- (۱) شیخ محمد یزدی (رئیس سابق قوه قضائیه) - (۲) محمد محمدی گیلانی (رئیس دیوان عالی کشور)
 - (۳) مهدوی کنی - (۴) هاشمی رفسنجانی (رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام) - (۵) محفوظی -
 - (۶) حسن صائمی (رئیس موسسه ی ۱۵ خرداد) - (۷) ربانی املشی - (۸) باریک بین - (۹) محمود دعایی -
 - (۱۰) طباطبایی مدرسی - (۱۱) ایمانی - (۱۲) یوسفی اشکوری - (۱۳) رضا استادی (رئیس حوزه علمیه قم).
- انسانی این همه شاگرد کارآمد پرورش دهد، آنگاه تنها و مظلوم در دوران این همه هیاهوی رسانه ای، دارفانی را وداع بگوید!

در ۱۷ اردیبهشت سال ۸۵ که ایشان بعد از ماه‌ها بیماری دارفانی را وداع گفتند در مراسم تشییع جنازه ایشان فقط تعداد معدودی از دوستان و افرادی از گروه‌های سیاسی و علمی و استاید دانشگاه شرکت نمودند ولیکن خبری از نماینده دولتیان و شاگردان ایشان که قبلاً نام بردیم، نبود و حتی آقایان یک تسلیت و ترحیم به صورت تلفنی یا تلگراف و یا در رسانه‌ها و نشریه‌ای برای خانواده ایشان نفرستادند.

۸- مرحوم صالحی از تعصب به دور بود و آن را معضلی برای فکر انسانی می‌دانست، تعصبی که آمیخته از جهل، میل و کین می‌باشد. در مسائل فقهی عقل می‌کرد و فقط به منقولات نمی‌پرداخت و با مقایسه‌ی دقیق و سنجیده با کتاب و سنت، به تجزیه و تحلیل و بررسی آنها می‌پرداخت و هیچ وقت مطلبی را تعبدی و غیر عقلانی نمی‌پذیرفت. کتاب پژوهشی جدید در چند مبحث فقهی، عمق و کثرت این موضوع را برای خواننده آشکار می‌سازد. مثلاً ایشان کافر را از نظر رفتاری نجس می‌دانست، نه از نظر جسمانی و بدنی. در مبحث اجتهاد باز بسته، آنقدر عالمانه و عاقلانه و متفکرانه و منطقی قلم زده است که انسان نو اندیش را به شگفتی وادار می‌دارد. وی تخصص را فقط مخصوص فقها نمی‌داند و عنوان می‌کند هر کس در رشته‌ای که مهارت و تبحر دارد، در آن رشته متخصص و صاحب نظر می‌باشد. او می‌گوید مثلاً اگر متخصص علوم تغذیه نظر داد که غذایی مضر بوده است و از نظر بهداشتی سالم نمی‌باشد، ما می‌پذیریم و کاری به نظر فقها نداریم. اینچنین است که می‌توان دور از تعصب و تعبد و معقول و منطقی فتوا داد و فکر کرد.

۹- مرحوم صالحی انحصار طلب و تنگ نظر نبود و همه چیز را منحصر به روحانیت نمی‌دانست و برای او معمم و مکلا، یکسان بودند. او معتقد بود هر کسی هر نظری در مورد مسائل فقهی، اعتقادی، سیاسی و فرهنگی دارد، باید اظهار نماید تا در جامعه از طرف نویسندگان و روشنفکران، مورد نقد و بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد و اگر کسی نقدی بر این مسائل دارد، باید آن‌ها را چنان نماید تا بدین وسیله، یک نظر، فکر و ایده، پابرجا بماند و انسان می‌باید چیزی بنویسد که تمامی اعضای جامعه از آن بهره‌مند شوند و نیز چیزی بنویسد که در جامعه، موج و تحول و دگرگونی ایجاد نماید. بدین صورت یک جامعه به تکاپو، پویایی و جنبش می‌افتد. به یاد دارم وقتی که می‌خواستیم کتاب تخت فولاد را که مناظره‌ی آیت الله درجه‌ای با شاگردانش بود، منتشر کنیم، در خود رعب و وحشتی را احساس می‌کردم. مرحوم صالحی گفت: "اگر از مدح و ذم دیگران می‌هراسی یا به عرصه نوشتن نگذار، و حالا که این کار را کرده‌ای به پای آن بایست. اگر کسانی که نقدی بر این کتاب دارند صریحاً اعلام نمایند، تو جوابگو باش" که سرانجام کتاب منتشر و بعد از مدتی توقیف گردید.

۱۰- برای مرحوم صالحی مهم نبود که چه کسی را نقد می‌کند. او می‌گفت: "من شاید افراد زیادی را دوست داشته باشم ولیکن بازگو کردن حقایق را از این اقزاد بیشتر دوست دارم". او به عبارت حیات العلم بالنقد و الرد اعتقاد راسخ و کامل داشت و می‌دانست بقا و ماندگاری یک اثر و زنده و پویا بودن یک علم و دانش، وابسته به نقد و بررسی و رد کردن آن می‌باشد. به همین جهت وقتی کتاب نگاهی به حماسه حسینی استاد مطهری را نوشت. تنگ نظران و متحجرین، او را از این کار منع می‌کردند و حتی نقد افکار استاد مطهری را مذموم می‌دانستند و به همین سبب نگذاشتند کتاب مربوطه، توزیع و پخش شود و سرانجام خمیر گردید و زحمات چند ساله مرحوم صالحی در مورد تجزیه و تحلیل قیام امام حسین (علیه السلام)، بی نتیجه، راکد و ساکت ماند.

در حالی که اگر استاد مطهری زنده بود به اینچنین امری رضایت نمی داد، زیرا با توجه به تراوشات فکری استاد، می توان برداشت نمود که او نمی خواست باب علم و جهاد مسدود شود. از طرفی آقای صالحی سال ها با شهید مطهری و آیت الله منتظری، هم حجره و همدرس و هم بحث بود و رفاقت دیرینه با ایشان داشت و استاد مطهری آنقدر وارسته و افتاده و متواضع بود که نقد دیگران را بر خود بپذیرد، آنهم دوستی ارجمند و فرزانه مانند صالحی نجف آبادی را.

۱۱- مرحوم صالحی داری سعه صدر وافر بود، صبر ایوب داشت و در برابر تا ملایمات، سر تسلیم فرود نمی آورد. در سال ۱۳۵۰ که کتاب شهید جاوید را نوشت، بعد از آن دچار مشکلات زیادی از طرف دوستان و دشمنان و حکومتیان و حتی روحانیون و مراجع شد. عکس العمل حوزیان قم در برابر نوشتن کتاب شهید جاوید این بود که شهریه ی آقای صالحی را قطع کردند و بدین صورت می خواستند او را در تنگنا قرار دهند که او سر تسلیم فرود آورد و دوباره شهریه ی او برقرار گردید. به مدت سه سال از طرف حکومت به شهرهای دیگر تبعید شد و بدین صورت از طرف مردمی که او را نمی شناختند مورد ایذا و آزار بسیار قرار گرفت و از طرف روحانیون مخالف شهید جاوید حملات بر علیه او شروع شد و حتی از طرف دو نفر از مراجع تقلید که اصلاً کتاب شهید جاوید را نخوانده بودند، مورد تحریم قرار گرفت و صالحی را مورد مذمت قرار دادند و حتی او را تکفیر کردند. چه ایذا و آزاری را از این بدتر می توان سراغ کرد؟

۱۲- نقل قول شده که در اواسط دهه ی پنجاه، افرادی ترتیب ملاقات شادروان دکتر شریعتی و مرحوم صالحی را دادند و آنها بعد از چند ساعت مذاکره درباره ی نهضت حسینی یا یکدیگر خداحافظی کردند. دوستان از صالحی که در حال خروج از جلسه بود پرسیدند نظرتان درباره ی دکتر شریعتی چیست؟ صالحی پاسخ داد دکتر فردی است دارای اطلاعات زیاد و آگاه به امور مذهبی و اجتماع و تاریخ و باید به او افتخار کرد. و همچنین دوستان از دکتر شریعتی پرسیدند نظرتان درباره ی صالحی چیست؟ گفت او فردی است نو اندیش و دارای فکر و ایده ی جدید و بعد از فوت او گمان نمی کنم کسی مانند او پا به عرصه وجود بگذارد. این مطلب دکتر شریعتی بعد از ۱۸ سال که از فوت آیت الله صالحی نجف آبادی می گذرد، برای من میقت و مورد تأیید قرار گرفت و هم اکنون انتشارات امید فردا مفتخر است که سه کتاب جدید از سال ۱۴۰۱ تاکنون تحت عناوین ۱- دو مقاله جدید (۱- نظری نقادانه بر روایات ۲- درباره اسراء) ۲- اسرار قتل آیت الله شمس آبادی ۳- اجتهاد در معنای فقه به همراه چند مقاله دیگر از ایشان را بعد از گذشت ۱۸ سال از مرگ او به چاپ برساند.

در ختم نوشتار، از خوانندگان عزیز پوزش می خواهم که نتوانستم مطالب زیادی را از قلم خود درباره ی مرحوم آیت الله صالحی نجف آبادی به رشته ی تحریر درآورم و به همین مقدار قناعت می کنم.

داود علی بابایی

مدیر مسئول نشر امید فردا